

## مگر اینکه یکی از دو طرف چالش استحاله شود.

بله. این همان چیزی است که برای ایران می‌خواهند. اصلاح طلبان این را کلید زده اند که انقلاب اسلامی دست از شعارهای خود بردارد. این همان چیزی است که کیسینجر هم در نظم جهانی اش می‌گوید. او می‌گوید ایران باید انتخاب کند که یک انقلاب باشد یا یک کشور؟ معنی آن هم همین است. -انتخاب بین دولت مدرن و انقلابی؟  
بله دولت مدرن که باشیم داخل نظم جهانی قرار می‌گیریم. ما وقتی یک انقلاب شدیم دیگر در نظم جهانی قرار نمی‌گیریم.

## کشورهای زیادی با امریکا در چالش هستند مثل کره شمالی، چین و روسیه. چرا آنها این شکل از چالش را ندارند؟

اینها یا لیبرال هستند یا مارکسیست. اروپا که یک نوع رقیب بالقوه برای امریکا است ولی خودش قسمتی از مدرنیته است. مارکسیست هم که تاب و توانی ندارد. آن هم مدت هاست مرگ خودش را اعلام کرده است. همین که مانده است هم متعلق به جهان سکولار است نه جهان دینی. انقلاب اسلامی انقلابی معتقد به سنت است. سنتی که جهان مدرن چهار قرن بود می‌گفت سنت حیات ندارد و از بین رفته است. حالا این حیات یافته است و نظریه ای که می‌گفت مدرنیته بعد از پایان سنت متولد شده را شکسته است. این خودش یک نوع تقابل ذاتی است بین انقلاب اسلامی و غرب. آنها اصلاً چنین ادعایی ندارند. مارکسیسم ادعایش اقتصادی است نه بیشتر. خود مارکسیسم در مسأله سکولاریسم از خود غرب بدتر است و اصلاً الحاد است. یعنی ربطی به این ندارد که بخواهد چنین ادعایی کند.

## چطور ما با تعدادی از دولت های مدرن روابط بهتری داریم و با بعضی دیگر چالش های جدی داریم؟

این تاکتیک است و کاری به استراتژی ندارد. وقتی می‌گوییم مدرن نیستیم منظورمان این نیست که می‌خواهیم با همه آنها بجنگیم. کما اینکه در برجام با امریکا هم مذاکره کردند و قرارداد هم بستند و امریکا زیر آن زد. نه این قرارداد بستن حرام بود و نه آشتی کردن و نه قهر کردن، بلکه این کشور بدعه‌دی کرد. ما گاهی این کشورها را به صرف کشور و مقطعی نگاه می‌کنیم و می‌بینیم منافع مان به کدام یک نزدیک تر است، اما ما دنباله رو فکری و جهان بینی هیچ کدام نیستیم. از نظر اقتصادی و منفعت می‌توانیم بد و خوب داشته باشیم. در دوران نبی اکرم دو قدرت ایران و روم در دنیا بود. هر دو ضد اسلام بودند. یکی روم مسیحی و دیگری ایران زردشتی بود. پیامبر با هر دو مخالفت بود، اما میزان روابط و مخالفت و پیام ها برای هر دو یکی نیست. هر کدام تابع شرایط خودش بود.

## ما با مقولاتی مثل برجام چقدر می توانیم چالش هایمان را با غرب حل کنیم؟

هیچ وقت نمی‌توانیم. اینها مسکن های مقطعی برای منافع و مصالح زودگذر است. هیچ وقت حل نمی‌شود؛ یعنی آنها حل نمی‌کنند. چون مسأله هسته ای بهانه ای است برای چیزهایی بزرگ تر که انقلاب اسلامی دنبال آن است. هسته ای یکی از نمادهای این درگیری است نه اصل آن.

## ما نمی‌توانیم این چالش را پایان دهیم؟

چالش ذاتاً وجود دارد. این که چالش را ادامه می‌دهیم یا نمی‌دهیم را می‌توان با کارت های بازی کم و زیاد کرد. اما در نهایت شما متعلق به دنیای دیگری هستید. اینها با این دنیای دیگر شما کنار نمی‌آیند. آنها به رسمیت نمی‌شناسند که در کنار خودشان یک دنیای دیگر، یک جهان بینی دیگرو یک مفهوم جدید در خصوص زندگی ایجاد شود.

## اگر از آرمان های جهانی انقلاب دست برداریم چالش ها کم می‌شود؟

حمایت ما از فلسطین، یمن و اینها بعد سخت افزار است. فرض کنیم از اینها دست کشیدیم. بعد نرم افزار آن را چه کار کنیم؟ بعد نرم افزاری آن یک اندیشه دینی است که نسبت به فلسفه غرب و لیبرالیسم در مفهوم سعادت بشر شبیه کرده است. این را چه کار کنیم؟ این بزرگ ترین چالش است. عراق و لبنان و یمن و اینها نمادهای این چالش هستند نه اصل این چالش. اینها جایی است که خط گسل این چالش است؛ خود چالش نیست. مثل این است که دو همسایه ذاتاً به خون همدیگر تشنه هستند؛ حالا دیوار مشترک آنها خراب می‌شود و دعوا شروع می‌شود. یکی می‌گوید اینها سر دیوار دعوا کرده اند! نه اینها از قبل پدرکشتگی با هم داشته اند و این بهانه ای برای دعواست. پس مسأله ای مثل حمایت از یمن و لبنان بهانه این چالش است نه خود چالش و چالش در ذات این قضیه است. او برداشت دیگری راجع به انسان و زمین و خدا و نقش انسان در زمین دارد. او می‌گوید انسان اینطور سعادتمند می‌شود و ما می‌گوییم آن طور سعادتمند می‌شود. این دوتا موضوع است.

گاندی به محمدعلی جناح گفته بود بیا با همدیگر یک کشور شویم و جدا نشویم. جناح گفته بود چطور با همدیگر یک کشور شویم درحالیکه شما گاو می‌پرستید و ما گاو را می‌خوریم! حرف تشنگی است. ببینید ما دو تفکر و دو بینش هستیم. نسبت به مقوله زن، حجاب، دنیا و آخرت دو نگاه داریم. دو جور زندگی می‌کنیم. نسبت به حقوق زن، اقتصاد، بهره کشی از انسان ها و... دو جور فکر می‌کنیم. این آفرش خط گسل قرار می‌گیرد. این اختلاف خودش را یکبار در لبنان و سوریه نشان می‌دهد و بار دیگر در هسته ای بروز

پیدا می‌کند. این چالش ذاتی است و کسی نمی‌تواند التیام بدهد. می‌توان با آن بازی کرد و عقب انداخت اما این اختلاف وجود دارد.

## مسئولین ما چقدر این نگاه تمدنی را دارند؟

اگر منظور رهبری باشد ایشان این نگاه را دارد و خودش هم بر این اساس دهه پنجم نظام را پایه ریزی کرده است. اگر بقیه مسئولین منظور شماست اطلاع ندارم. اما آنچه مشخص است این است که دولت قبلی به این حرف ها اعتقادی نداشت. آقای روحانی می‌خواست یک کشور ذیل نظم جهانی باشد که تازه این را هم به او اجازه ندادند. وقتی انقلاب نباشد کشور هم نیست، شما دیگر هیچی نیستید.

## مختلفی در طول انقلاب قدرت گرفته اند، ارزیابی شما از چهار دهه گذشته چگونه است؟ آیا مسیر را درست آمده ایم؟

بله مسیر درست است. دولت ها در حد تاکتیک بوده اند نه راهبرد. اگر می‌خواستند راهبرد را عوض کنند که دولت های اسلامی نبودند. آنها تاکتیک را عوض کرده اند و تفاوت داشته اند. اما راهبرد، راهبرد انقلاب اسلامی بوده است.

## شاید به خاطر همین مسأله که برخی از آنها نتوانسته اند راهبردها را تغییر دهند با انقلاب زاویه پیدا کردند.

آنها نمی‌گویند با انقلاب زاویه پیدا کردیم. آنها می‌گویند یک عده کوتاه نظر



و متعصب هستند که ما را کنار زده اند. آنها در لایه های سطحی و حزبی این حرف را می‌گویند نه در لایه های عمیق تر. به نظرم موتور انقلاب مثل ماشینی است که باید آن را هل داد. رؤسای جمهور هم آن را خوب هل می‌دهند. اما ماشین که حرکت می‌کند اینهایی که هل می‌دهند اول زمین می‌خورند. اینها ماشین را هل دادند اما از خود انقلاب جا ماندند. وقتی ماشین می‌رود می‌گویند چرا ماشین رفت باید همین جاکه ما بودیم بایستد. شما باید خود را با انقلاب تنظیم کنید نه اینکه انقلاب با شما تنظیم شود.

## ارزیابی شما از دولت سیزدهم چیست؟

دولت فعلی همین مقدار که از دولت قبلی فاصله گرفته مثبت است. چون دولت قبلی ادامه اش استحاله انقلاب بود. خط فکری که پیگیری می‌کرد با ذات انقلاب تطابق نداشت و هم در برنامه های کلانش لیبرالیسم پنهانی را پیگیری می‌کرد. خب آقای رئیسی این طور نیست. فعلا دارد در خط انقلاب جلو می‌رود.

## با تشکر از وقتی که در اختیار ما قرار دادید.

برخی فکر می‌کنند اگر انقلاب نباشد می‌گذارند مثل سوییچ مردم زندگی کنند. نه اینها اجازه نمی‌دهند و اگر انقلاب نباشد نمی‌گذارند کشور ایران هم وجود داشته باشد. آنها با استقلال ما مشکل دارند چون نمی‌توانند نفوذ کنند و معادن و نفت ما را ببرند.

## کشورهای دیگری هم هستند که استقلال دارند اما این چالش را ندارند.

کشورهای غربی که مال خودشان است. شرقی ها هم هیچی نیستند، یعنی نه لیبرال هستند نه کمونیست هستند. آنها برزخ هستند. انقلاب ما برزخی نیست که آنها را ملاک قرار دهیم.

## اکنون به لحاظ تمدن سازی در کدام نقطه ایستاده ایم؟

این طور نیست که مرحله ای مثل دولت سازی پایان یابد و جامعه سازی شروع شود. همزمان با یکدیگر جلو می‌رود. بعضی امور ممکن است ما جلوتر برویم و در برخی موارد توقف داشته باشیم یا کمتر برویم. مسیر این است اما همه با هم به خط پایان نمی‌رسیم.

## با توجه به اینکه دولت های